

بررسی رضایت از زندگی، باور به عادلانه بودن دنیا و حمایت های اجتماعی در دانشجویان ایرانی و هندی

زهرة خسروی^{۱*} و فرزانه ناهیدپور^۲

چکیده

این پژوهش به بررسی باور به عادلانه بودن دنیا، رضایت از زندگی و حمایت های اجتماعی در دانشجویان ایرانی و هندی پرداخته است. تعداد ۱۹۷ دانشجوی دختر از دانشگاه تهران و ۹۷ دانشجوی دختر از دانشگاه پونا هند مورد مطالعه قرار گرفتند. برای جمع آوری داده ها از نمونه مورد مطالعه از سه پرسش نامه رضایت از زندگی داینر و همکاران (Deiner et al, 1985)، باور به عادلانه بودن امور دالبرت (Dalbert, 2001) و حمایت های اجتماعی زیمت و همکاران (Zimet et al, 1988) استفاده گردید. داده های بدست آمده با استفاده از روش های آماری آزمون تی برای گروههای مستقل، همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون تجزیه و تحلیل گردید. نتایج پژوهش نشان دادند که دانشجویان هندی در مقایسه با دانشجویان ایرانی نمره بالاتری در رضایت از زندگی، باور به عادلانه بودن امور دنیا و حمایت های اجتماعی بدست آوردند. همچنین، بین رضایت از زندگی، باور به عادلانه بودن دنیا (هر دو بعد) و حمایت های اجتماعی هم در دانشجویان ایرانی و هم دانشجویان هندی همبستگی مثبت و معنی دار وجود دارد و در نهایت، یافته‌ها نشان دادند که باور به عادلانه بودن دنیا و حمایت‌های اجتماعی قادر به پیش بینی رضایت از زندگی هستند.

واژه های کلیدی: رضایت از زندگی، باور به دنیای عادلانه، حمایت اجتماعی، دانشجویان ایرانی و هندی.

۱- دانشجوی روان‌شناسی بالینی، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

۲- عضو هیئت علمی مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، دانشکده روان‌شناسی f_nahidpoor@yahoo.com

* نویسنده مسئول مقاله: zohreh_khosravi@yahoo.com

پیشگفتار

رضایت از زندگی یکی از مسائلی است که تحت تاثیر فرهنگ قرار می گیرد. مسایل اساسی زندگی از قبیل اینکه زندگی خوب چیست؟ و شادی چیست؟ که بشدت تحت تاثیر ارزش های فرهنگی قرار دارند، پس می توان گفت که شخصیت و فرهنگ تاثیر متقابل بر یکدیگر دارند و هر دو می توانند سطح رضایت فرد را تعیین کنند.

عوامل بیرونی مانند سطح درآمد، تحصیلات، میزان رضایت از زندگی زناشویی تنها بخش کوچکی از میزان رضایت و شادمانی فرد را تعیین می کنند. البته، این احساس بیش تر به ویژگی های ثابت شخصیتی مربوط می شود. اهداف عمده در زندگی، پیشرفت به سوی آن ها و تعارض بین اهداف که کاملا وابسته به فرهنگ هستند، همگی سطح سلامت، رضایت و شادمانی فرد را تحت تاثیر قرار می دهند. در این میان، یکی از مسائلی که به بهبود روحیه افراد کمک می کند، سوگیری خدمت به خود^۱ است. یکی از انواع این سوگیری، سوگیری ارتقا خویشتن^۲ است که بیش تر به وسیله غربی ها بکار گرفته می شود در حالی که آسیایی ها کمتر از این نوع سوگیری ها استفاده می کنند و بیش تر در ارزیابی خود، حالت خود انتقادی^۳ دارند و بیش تر از سبک های اسنادی خود انتقادی استفاده می کنند. برای مثال، اروپایی ها و آمریکایی ها در حدس درباره مسئله هایی که هفته پیش درست حل کرده اند، بیش ارزیابی دارند در حالی که آسیایی ها پیش بینی متفاوتی دارند، یعنی موفقیت های خود را کمتر برآورد می کنند (Heine et al, 2000 quoted by Deiner, 2003).

هم چنین، ارزیابی اروپایی - آمریکایی ها از رضایت بخش بودن یک هفته کامل از زندگی شان بالاتر از میزان رضایت ثبت شده روزانه اشان بود. رابطه احساس رضایت از خود و احساس رضایت از زندگی بطور کلی در فرهنگ های گوناگون متفاوت است. در فرهنگ های فرد گرای غربی این دو متغیر به هم خیلی وابسته اند در حالی که در کشورهای مثل هند و کامرون به هم وابسته نیستند (Deiner, 2003).

باورهای انسان از جمله باور به عادلانه بودن دنیا تحت تاثیر فرهنگ است. باور به عادلانه بودن نقشی مهم و تاثیر گذار بر چگونگی روبرویی فرد با مشکلات و سلامت روان آنان دارد، بویژه در سنین جوانی به دلیل تکالیف رشدی که جوانان با آن روبرو می شوند (مثل پیدا کردن شغل، طراحی برای آینده، شناخت اجبارها و فشارها و تشکیل خانه و خانواده ای مستقل) که برای

^۱ . Self-serving Biases

^۲ . Self-enhancement

^۳ . Self Critic

مقابله با این فشارها به منابع روان شناختی نیازمندند. برخی بر این باورند که باور به یک دنیای عادلانه به طور مثبت همبسته با توانایی رویارویی با تکالیفی است که سلامت روان را تقویت می‌کند.

مبانی نظری

با وجود افراد بی گناه بسیاری که در این دنیا رنج می‌کشند، چگونه افراد می‌توانند احساس خوبی داشته باشند و اعتمادشان را به آینده حفظ کنند. نظریه باور به عادلانه بودن دنیا که نخستین بار به وسیله لرنر (Lerner, 1980) مطرح شد، تلاش می‌کند تا این تناقض آشکار را توضیح دهد که باور به عادلانه بودن دنیا یک توهم اساسی است به این دلیل که حتی وقتی افراد با بی عدالتی مواجه می‌شوند، باعث عدم آسیب پذیری آن‌ها می‌گردد. این مفهوم بیان می‌کند که دنیا مکان عادلانه‌ای است که در آن افراد آنچه را که سزاوارش هستند، بدست می‌آورند. افراد خوب تشویق و افراد بد تنبیه می‌شوند (Lerner 1971 quoted by Alves&Correia,2010). باور به عادلانه بودن دنیا متشکل از یک جهت‌گیری نظری زیربنایی است که درک و فهم محیط فیزیکی و اجتماعی فرد را امکانپذیر می‌سازد. همچنین، افراد را قادر می‌سازد تا با محیط فیزیکی و اجتماعی خود مواجه شوند. بدون چنین باوری، برای افراد تعهد دنبال کردن اهداف بلند مدتشان دشوار است (Miller, 1987 quoted by Furnham,2003). به باور لرنر، مردم مایل و مجبورند تا باور کنند که در یک دنیای عادلانه زندگی می‌کنند، به طوری که می‌توانند زندگی روزانه خود را با حس اطمینان، امید و اعتماد به آینده طی کنند. بنابراین، بنظر می‌رسد باور به عادلانه بودن دنیا کارکردی سازگارانۀ برای مردم دارد، به آن‌ها اعتماد می‌بخشد و به وقایع معنی می‌دهد، بویژه زمانی که افراد با تکالیف جدیدی روبه‌رو می‌شوند (Dalbert,2001). همان‌گونه که لرنر و مونتادا (Lerner & Montada,1998,p.1) بیان کرده‌اند، افراد به خاطر امنیت خود و توانایی برنامه ریزی برای آینده نیاز دارند تا باور کنند که در یک دنیای عادلانه زندگی می‌کنند، جایی که آن‌ها می‌توانند آنچه را که سزاوارش هستند بدست آورند.

باور به عادلانه بودن دنیا به ارزیابی کلی زندگی فرد اشاره دارد که دارای دو بعد است (Deiner,Oishi & Lucas,2003). بعد شناختی که به ارزیابی کلی زندگی فرد به وسیله خودش اشاره دارد (رضایت از زندگی) و بعد عاطفی که خلق و هیجانات را در برمی‌گیرد و نشان‌دهنده ارزیابی‌های شخص از رویدادهایی است که در زندگی اتفاق می‌افتد (Deiner et al,1999). دالبرت

(Dalbert, 2001) باور به عادلانه بودن دنیا را به عنوان یک ویژگی شخصیتی پایدار توصیف نمود و سه کارکرد را برای آن مطرح کرد:

۱- اجبار فرد به رفتار کردن به صورت عادلانه. برای مثال، کسانی که باور قوی به عادلانه بودن دنیا دارند، برای دستیابی به اهداف شخصی شان به شیوه ای عادلانه برانگیخته می شوند (Hafer, 2000). این افراد با رفتارهای عادلانه، به قراردادهای شخصی خود احترام می گذارند و خود را تشویق می کنند (Lerner, 1977).

۲- دومین کارکرد باور به عادلانه بودن دنیا، ایجاد حس اعتماد به دیگران و سرنوشت منصفانه است. چنین امری چندین پیامد انطباقی دارد: به افراد حس اعتماد به سرمایه گذاری برای دستیابی به اهداف بلند مدت خود و اعتماد به دیگران به خاطر رفتار منصفانه آنها می بخشد (Otto & Dalbert, 2005).

۳- باور به عادلانه بودن دنیا چارچوبی فراهم می نماید که به افراد کمک می کند تا زندگی خود را به شیوه های معنادار تفسیر کنند (Dalbert, 2001).

باور شخصی به دنیای عادلانه از باور کلی به دنیای عادلانه متفاوت است (Dalbert, 1999; Lipcus, Dalbert & Seigler, 1996). باور شخصی به دنیای عادلانه منعکس کننده این باور است که رویدادها در زندگی شخص عادلانه هستند، در حالی که باور کلی به دنیای عادلانه نشان می دهد که دنیا مکانی عادلانه برای فرد و دیگران است. مطالعات نشان داده اند که باور شخصی به عادلانه بودن دنیا بهترین پیش بینی کننده سلامت روان است تا باور کلی به عادلانه بودن دنیا (Sutton & Douglas, 2005).

بر اساس نظر لرنر، این باور به منظور حفظ سلامت روان افراد لازم است. به افراد کمک می کند تا باور نمایند که در یک دنیای عادلانه زندگی می کنند به گونه ای که می توانند زندگی روزمره خود را با حس اعتماد، امید و اطمینان به آینده سپری سازند (Lerner, 1980, p.14). پژوهش‌های تجربی وجود ارتباط مثبت میان باور به عادلانه بودن دنیا و سلامت روان را تایید نمودند (Dalbert & Sallay, 2004; Hafer & Begue, 2005).

باور شخصی به عادلانه بودن دنیا با سلامت روانی و باور کلی به عادلانه بودن دنیا با نگرش‌های اجتماعی مرتبط است. دوپس (Dowis, 1982 quoted by Alves & Correia, 2010) نظریه لرنر را از دیدگاه اجتماعی مورد بررسی قرار داد و تاکید کرد که باور به عادلانه بودن دنیا یک باور اجتماعی مشترک است و نقشی مهم در توجیه و حفظ نظم اجتماعی دارد. بر اساس این نظر، نه تنها افراد بلکه جوامع نیاز دارند تا دنیا را مکانی تلقی نمایند که در آن پاداش‌ها و تنبیه‌ها به طور اتفاقی توزیع نمی شوند بلکه از معیارهای شایسته سالاری تبعیت می کند (Alves & Correia, 2010).

با توجه به آنچه که در بالا گفته شد، این پژوهش در صدد است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد: آیا بین دانشجویان دختر ایرانی و هندی از لحاظ باور به عادلانه بودن دنیا با رضایت از زندگی و حمایت‌های اجتماعی تفاوت وجود دارد؟ آیا میان باور به عادلانه بودن دنیا با رضایت از زندگی و حمایت‌های اجتماعی رابطه معنادار وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

کابلا (Cubela, 2000)، دالبرت (Dalbert, 1998) و مونتادا (Montada, 1998) نشان دادند باور به عادلانه بودن دنیا بویژه برای قربانیان بی‌گناه به عنوان عاملی مهم در مواجهه با فشارهای روانی است. مطالعه ارتباط بین سلامت روان و باور به عادلانه بودن دنیا روی دو نمونه از افراد انجام گرفته است: قربانیان و غیر قربانیان. نتایج پژوهش با قربانیان همبستگی مثبت بین باور به عادلانه بودن دنیا و سلامت روان را نشان داده است.

هافر و کوری (Hafer & Correy, 1999) نشان دادند کسانی که باور محکمی به عادلانه بودن دنیا دارند، وقتی که با یک واقعه منفی روبه‌رو می‌شوند، اسنادهای درونی بیش‌تر و اسنادهای بیرونی کم‌تری در مقایسه با آنانی که باور ضعیفی به عادلانه بودن دنیا دارند از خود نشان می‌دهند. پژوهش آن‌ها نشان داد که این اسنادها موجب می‌شود تا گروه نخست، پیامدهای منفی را کمتر ناعادلانه تلقی کنند و حالات هیجانی مثبت بیش‌تری را تجربه کنند.

نتیجه مطالعات داینر و همکاران (Diener et al, 1985) نشان داد باور به عادلانه بودن دنیا با بخش‌های گوناگونی از سلامت روان همبستگی مثبت دارد. هم‌چنین، هم باور به عادلانه بودن زندگی و هم احساس رضایت از زندگی اجزای شناختی سلامت روان هستند (Diener, Emmons, Larson, & Griffin, 1985; Latridis & Fousiani, 2009).

نتایج مطالعات بگو (Begue, 2005) نشان دادند تنها باور به عادلانه بودن امور مربوط به خود (و نه عادلانه بودن امور مربوط به دیگران) با سطح بالای احساس کفایت همبستگی دارد و به فرد کمک می‌کند تا در رویارویی با موقعیت‌های نامطلوب عزت نفس خود را حفظ کند.

باور به عادلانه بودن دنیا، نیز با عزت نفس همبستگی مستقیم دارد (Dalbert, 1998, 1999).

دالبرت و میس (Dalbert & Maes, 2002) بین باور به عادلانه بودن دنیا و جنبه‌های گوناگون رضایت از زندگی مثل رضایت از مدرسه، پیشرفت تحصیلی و رضایت از زندگی بطور کلی همبستگی مثبت بدست آوردند. عزت نفس یک منبع شخصی است که تاثیر وقایع منفی بر زندگی شخص را کاهش می‌دهد.

بگو (Begue, 2005) همبستگی قوی بین میزان باور به عادلانه بودن دنیا و اعتماد به همسر

بدست آورد. همچنین، باور به ناعادلانه بودن دنیا موجب می شود افراد از مکانیزم های دفاعی بیش تری استفاده کنند، احساس خشم بیش تری داشته و نسبت به آینده ناامیدتر باشند (Lench & Chang, 2007).

حمایت اجتماعی به عنوان عاملی تاثیر گذار بر ابعاد گوناگون سلامت روان شناخته شده است (Clara, Cox, Enns, Murray & Torgrudc, 2006). افزایش حمایت های اجتماعی منجر به کاهش افسردگی در بیماران بهبود یافته از افسردگی شد. برای مثال، سطوح پایین حمایت اجتماعی در دانشجویان با افزایش احساس تنهایی در آن ها همراه بود. پژوهش ها نشان داده اند حمایت های اجتماعی به طور مستقیم با شدت علایم جسمانی و روان شناختی در ارتباط است و می تواند به عنوان حایل بین رویدادهای منفی و این علایم نقش ایفا کند (Sarason, Shearin, Pierce & Sarason, 1987).

در پژوهش کلارا و همکاران (Clara et al, 2006) حمایت های اجتماعی برای زنان نقشی موثرتر در پیش بینی رضایت از زندگی و کاهش افسردگی داشت. در ایران، گلپور و همکاران (Golparvar et al, 2008) نشان دادند که باور به عادلانه بودن دنیا برای خود و دیگران با رضایت از زندگی و سلامت عمومی رابطه معنادار وجود دارد. کوریا و همکاران (Correia et al, 2009) نیز نشان دادند که میان باور به عادلانه بودن دنیا و رضایت از زندگی رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه های پژوهش

- ۱- نمره های دانشجویان دختر ایرانی در مقیاس های باور به عادلانه بودن دنیا، رضایت از زندگی و حمایت های اجتماعی متفاوت از نمره های دانشجویان دختر هندی است.
- ۲- بین باور به عادلانه بودن دنیا، رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی در دانشجویان هندی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.
- ۳- بین باور به عادلانه بودن دنیا، رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی در دانشجویان ایرانی رابطه معنادار وجود دارد.
- ۴- باور به عادلانه بودن دنیا و حمایت اجتماعی میزان رضایت از زندگی را پیش بینی می کنند.

روش پژوهش

روش پژوهش دارای دو بخش است. در بخش نخست آن که به مقایسه دانشجویان ایرانی و هندی می‌پردازد، از روش علی مقایسه‌ای استفاده شده است و در بخش دوم که به بررسی همبستگی و پیش‌بینی می‌پردازد، پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است.

نمونه

تعداد ۱۹۷ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه تهران از دانشکده‌های فنی مهندسی، علوم پایه، ادبیات و علوم اجتماعی به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند. میانگین سنی آزمودنی‌های ایرانی ۲۱.۰۵ با انحراف استاندارد ۴.۷۱ بود. تعداد ۹۷ دانشجوی دختر هندی نیز از دانشگاه پونا مشابه با دانشجویان دانشگاه تهران انتخاب شدند. میانگین سنی این دانشجویان ۲۰.۱۸ با انحراف استاندارد ۳.۶۰ بود. به علت محدودیت زمانی تعداد دانشجویان هندی کمتر از دانشجویان ایرانی است.

ابزار پژوهش

۱- پرسشنامه باور به عادلانه بودن دنیا^۱

این پرسشنامه به وسیله دالبرت (Dalbert, 2001) تهیه شد. ابتدا فقط یک بخش داشت که شامل ۶ آیتم بود. همه آیتم‌ها مربوط به عادلانه بودن امور دنیا بطور کلی بود. سپس دالبرت ۷ آیتم دیگر که مربوط به عادلانه بودن امور شخصی بود را به آن اضافه کرد. در مطالعات متعددی که در جمعیت‌های دانشجویی و دانش‌آموزی در کشورهای گوناگون انجام شد، پرسشنامه از اعتبار قابل قبولی برخوردار بود.

در این پژوهش، پژوهشگر پس از کسب اجازه از سازنده پرسشنامه برای نمونه ایرانی آن را به فارسی برگرداند. مقدار آلفای کرونباخ بدست آمده برای نمونه ایرانی ۰.۸۵ و برای نمونه هندی ۰.۸۹ بود که نشان دهنده پایایی بالای ابزار است.

نتیجه بررسی پایایی آزمون با استفاده از روش بازآزمایی برای نسخه ایرانی که با یک نمونه ۳۰ نفره انجام شد ۰.۸۵ بود که حکایت از پایایی ابزار دارد.

^۱. Belief in a just world questionnaire

همچنین، نتیجه تحلیل عوامل در این مطالعه دو عامل عادلانه بودن امور شخصی و عادلانه بودن امور جهان بطور کلی را نشان داد که با نتایج پژوهش دالبرت (Dalbert, 2001) همخوان است.

۲- پرسشنامه حمایت های اجتماعی^۱

پرسشنامه به وسیله زیمت و همکاران (Zimet et al, 1988) تهیه شد. دارای ۱۲ پرسش است که بشکل لیکرت ۷ درجه ای است.

در مطالعات متعددی که در مورد گروههای سنی گوناگون انجام شد، نتایج بدست آمده نشان دادند که پرسشنامه از پایایی کافی برخوردار است. خسروی (Khosravi, 2005) نیز نسخه فارسی این آزمون را تهیه و برای دانشجویان ایرانی آن را اعتبار یابی کرد. در این پژوهش نیز آلفای کرونباخ بدست آمده برای نمونه ایرانی ۰.۹۱ و برای نمونه هندی ۰.۹۶ بود که نشان از انسجام درونی پرسشنامه و پایایی بالای آن است. همچنین، برای محاسبه پایایی پرسشنامه از روش بازآزمایی روی یک نمونه ۳۰ نفری از دانشجویان ایرانی با فاصله زمانی دو هفته استفاده گردید. همبستگی محاسبه شده میان دو بار اجرای آزمون ۰.۷۹ بود که نشان دهنده پایایی پرسشنامه است.

۳- پرسشنامه رضایت از زندگی^۲

پرسشنامه رضایت از زندگی یک پرسشنامه ۵ جمله ای است که رضایت فعلی و سطح کلی رضایت از زندگی و بهزیستی فرد را می سنجد. پرسشنامه براساس مقیاس لیکرت است و پاسخها در دامنه به شدت موافق (۷) تا به شدت مخالف (۱) قرار می گیرد. پرسشنامه به وسیله داینر و همکاران (Diener et al, 1985) تهیه شد. بر اساس گزارش داینر و همکاران پرسشنامه دارای اعتبار و روایی بالا، انسجام درونی بالا (آلفای کرونباخ ۰.۸۷)، و همبستگی میان دو بار اجرای آزمون با فاصله زمانی دو ماه ۰.۸۲ بود. خسروی (Khosravi, 2005) پایایی پرسشنامه را در نمونه ایرانی با استفاده از آلفای کرونباخ ۰.۸۸ و با روش بازآزمایی با فاصله زمانی دو هفته با یک نمونه ۳۰ نفره از دانشجویان ۰.۸۶ بدست آورد.

^۱. Social supports questionnaire

^۲. Life satisfaction questionnaire

یافته های پژوهش

فرضیه نخست: "نمره های دانشجویان دختر ایرانی در مقایس های باور به عادلانه بودن دنیا، رضایت از زندگی و حمایت های اجتماعی متفاوت از نمره های دانشجویان هندی است."

جدول ۱- تی محاسبه شده برای مقایسه باور به عادلانه بودن دنیا، حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی در دانشجویان ایرانی و هندی

سطح معناداری (P)	t	df	انحراف معیار	میانگین	تعداد	دانشجو
۰/۰۰۰	۳/۵۹	۲۹۲	۷/۳۵	۲۴/۳۵	۱۹۷	ایرانی
			۶/۳۳	۲۷/۲۶	۹۷	هندی
۰/۰۰۲	۲/۸۶	۲۹۲	۱۲/۸۳	۵۳/۴۹	۱۹۷	ایرانی
			۱۲/۵۹	۵۵/۲۳	۹۷	هندی
۰/۰۱	۱/۹۸	۲۹۲	۶/۴۳	۲۰/۷۴	۱۹۷	ایرانی
			۶/۱	۲۱/۷۳	۹۷	هندی

همان‌گونه که در جدول ملاحظه می‌شود، مقدار تی محاسبه شده برای مقایسه باور به عادلانه بودن دنیا، حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی در دانشجویان ایرانی و هندی به ترتیب برابر با (۳/۵۹)، (۲/۸۶)، و (۱/۹۸) است که بر اساس آن می‌توان گفت با ۹۹ درصد اطمینان میان دانشجویان ایرانی و هندی از نظر باور به عادلانه بودن دنیا و حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی تفاوت معنادار وجود دارد.

فرضیه دوم " بین باور به عادلانه بودن دنیا ، رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی در دانشجویان هندی رابطه معنادار وجود دارد."

جدول ۲- ماتریس همبستگی بین باور به عادلانه بودن دنیا، رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی در دانشجویان هندی

متغیرها	باور به عادلانه بودن امور دنیا	باور به عادلانه بودن امور مربوط به خود	حمایت اجتماعی	رضایت از زندگی
باور به عادلانه بودن امور دنیا	۱.۰۰			
باور به عادلانه بودن امور مربوط به خود	**۰/۷۶	۱.۰۰		
حمایت اجتماعی	**۰/۴۵	**۰/۵۲	۱.۰۰	
رضایت از زندگی	**۰/۴۴	**۰/۵۶	**۰/۴۶	۱.۰۰

**P<0.001

نتایج جدول بالا نشان داد که بین تمامی زیرمجموعه های باور به عادلانه بودن دنیا، رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی در دانشجویان هندی همبستگی مثبت و معنی دار وجود دارد.

فرضیه سوم " بین باور به عادلانه بودن دنیا ، رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی در دانشجویان ایرانی رابطه معنادار وجود دارد."

جدول ۳- ماتریس همبستگی بین باور به عادلانه بودن دنیا ، رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی در دانشجویان ایرانی

متغیرها	باور به عادلانه بودن امور دنیا	باور به عادلانه بودن امور مربوط به خود	حمایت اجتماعی	رضایت از زندگی
باور به عادلانه بودن امور دنیا	۱.۰۰			
باور به عادلانه بودن امور مربوط به خود	**۰/۶۶	۱.۰۰		
حمایت اجتماعی	**۰/۴۳	**۰/۵۶	۱.۰۰	
رضایت از زندگی	**۰/۴۰	**۰/۵۸	**۰/۴۲	۱.۰۰

**P<0.001

نتایج جدول بالا نشان داد که بین تمامی زیرمجموعه های باور به عادلانه بودن دنیا، رضایت از زندگی و حمایت اجتماعی در دانشجویان ایرانی همبستگی مثبت و معنی دار وجود دارد.

فرضیه چهارم "باور به عادلانه بودن دنیا و حمایت اجتماعی میزان رضایت از زندگی را پیش بینی می کنند"

جدول ۴- نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام برای پیش بینی رضایت از زندگی براساس باور به عادلانه بودن دنیا و حمایت اجتماعی در دانشجویان ایرانی

سطح معناداری	ضرایب استاندارد		ضرایب غیراستاندارد		معادله رگرسیون
	میزان تغییر متغیر وابسته (Beta)	R ^۲	R		
۰/۰۰۰	۰/۵۷	۰/۳۲	۰/۵۷	۱/۰۶	باور به عادلانه بودن دنیا
۰/۰۰۰	۰/۲۰ ۰/۱۸	۰/۳۶	۰/۶۰	۰/۳۲ ۰/۲۲	باور به عادلانه بودن دنیا حمایت اجتماعی

همان گونه که جدول بالا مشاهده می شود، در گام نخست، باور به عادلانه بودن دنیا به تنهایی از واریانس رضایت از زندگی را تبیین نمود، اما در گام دوم، باور به عادلانه بودن دنیا به همراه حمایت های اجتماعی در کل توانستند ۰/۳۶ از واریانس متغیر وابسته، یعنی رضایت از زندگی را تبیین نمایند. می توان نتیجه گرفت که باور به عادلانه بودن دنیا و حمایت اجتماعی قادر به پیش بینی رضایت از زندگی هستند.

بحث و نتیجه گیری

یافته های جدول ۱ نشان دادند که دانشجویان هندی در مقایسه با دانشجویان ایرانی نمره های بالاتری در رضایت از زندگی، باور به عادلانه بودن دنیا و حمایت های اجتماعی بدست آوردند. یافته های این پژوهش با یافته های فرگوسن (Ferguson, 2000) و هانت (Hunt, 2000) مبنی بر اینکه نژادها و فرهنگ های گوناگون از نظر میزان باور به عادلانه بودن دنیا با یکدیگر تفاوت دارند،

همسو است. آنها دریافتند این تفاوت حاصل تجارب جمعی مشترک در هر فرهنگ است. به بیان دیگر، تاثیر باور به عادلانه بودن دنیا و حمایت های اجتماعی بر میزان رضایت از زندگی و باورهای فرد تحت نفوذ عوامل فرهنگی قرار دارد. برای مثال، در فرهنگ های جمع گرا در مقایسه با فرهنگ های فرد گرا، حمایت های اجتماعی همبستگی قوی تری با رضایت از زندگی دارد. در این راستا، خسروی (khosravi,2005) نیز به این نتیجه رسید که هرچه فرهنگ جمع گرا تر باشد حمایت های اجتماعی در پیش بینی رضایت از زندگی نقش بیش تری ایفا می کند. با توجه به اینکه جامعه هند بیش تر حالت جمع گرایی دارد (khosravi,2005) و فرهنگ حاکم بر جامعه ایرانی حالت بینابینی دارد (khosravi,2005; Ghorbani,2003)، طبیعی است که حمایت های اجتماعی و باور به عادلانه بودن دنیا در فرهنگ های جمع گرا نقش برجسته ای را در شناخت افراد و رضایت آن ها از زندگی ایفا کند (khosravi,2005).

هم چنین، یافته های جداول (۲ و ۳) نشان دادند بین رضایت از زندگی، باور به عادلانه بودن دنیا (هر دو بعد) و حمایت های اجتماعی هم در دانشجویان ایرانی و هم دانشجویان هندی همبستگی مثبت و معنی دار وجود دارد. در این راستا، در جدول (۴) نیز نشان داده شد که باور به عادلانه بودن دنیا و حمایت اجتماعی قادر به پیش بینی رضایت از زندگی هستند. این یافته ها با یافته های کابلا (Cubela,2000)، دالبرت (Dalbert,1998)، مونتادا (Montada,1998)، دالبرت و سالی (Dalbert & Sallay,2004)، هافر و بگو (Hafer & Begue,2005) و گلپرو و همکاران (Golparvar et al,2008) همخوان است. همه این پژوهشگران نشان دادند که بین باور به عادلانه بودن دنیا و سلامت روان رابطه مثبت وجود دارد. همسو با یافته های پژوهش کنونی، کلارا و همکاران (Clara et al,2006) و ساراسون، شیارین، پیرس و ساراسون (Sarason,Shearin,Pierce & Sarason,1987) به این نتیجه رسیدند که میان حمایت اجتماعی، سلامت روان و رضایت از زندگی همبستگی مثبت وجود دارد.

در تبیین یافته های بالا می توان گفت دریافت حمایت های اجتماعی می تواند منجر به تجربه های مثبت و شناخت مثبت نسبت به خود، دیگران و جهان شود. کسی که از حمایت های اجتماعی بیش تری برخوردار است، بدلیل وجود طرحواره های مثبت وقایع و رویدادها را مثبت تر تفسیر می کند و انتظار وقوع رویدادهای خوب را دارد، بنابراین چنین فردی جهان را محلی امن می داند و تصور می کند امور قابل پیش بینی هستند. در کل، چنین فردی باور دارد که دنیا مکانی عادلانه است. همان گونه که هافر و کوری (Hafer & Correy,1999) نیز نشان دادند، باور به عادلانه بودن جهان موجب کاهش حالات هیجانی منفی و تجربه های هیجانی مثبت بیش تر می شود. در کل چنین باوری رضایت بالا از زندگی را در پی خواهد داشت.

References

- 1-Alves, H.I & Correia, I., (2010). *Personal and general belief in a just world as judgment norms*. *International Journal of Psychology*, 45(3), 221-231.
- 2-Bègue, L. (2002) '*Beliefs in justice and faith in people: Just world, religiosity and interpersonal trust*', *Personality and Individual Differences*, 32: 375-82.
- 3-Bègue, L. (2005). *Self -Esteem Regulation in Threatening Social Comparison: the Role of belief in a Just World and Self-efficacy*, *social behavior and Personality*, 33(1): 69-76.
- 4-Clara, I.P., Cox, B.J., Enns, M.W., Murry, L.T. & Torgrudc, L.J. (2003). *Conformity factor analysis of multidimensional scale of perceived social support in clinically distressed and student samples*, *Journal of Personality Assessment*, Vol 81(3),265-270.
- 5-Correia, I., Toscano Batista, M., & Lima, ML (2009). *Does the belief in a just world bring happiness? Causal relationships among belief in a just world, life satisfaction and mood*. *Australian Journal of Psychology*, 61 (4), 220-227
- 6-Cubela, V.(2000). '*Relationship between belief in a just world and well-being in employed and unemployed in Croatia*', paper presented at the *7th Biennial Conference of the European Association for Research in Adolescence*, Jena, Germany, June 2000.
- 7- Dalbert, C. (1998) '*Belief in a just world, well-being, and coping with an unjust fate*', in L. Montada and M. J. Lerner (eds), *Responses to Victimization and Belief in a Just World*, New York: Plenum Press.
- 8- Dalbert, C. (1999) '*The world is more just for me than generally: About the personal belief in a just world scale's validity*', *Social Justice Research*, 12: 79-98.
- 9-Dalbert, C. (2001). *The justice motive as a personal resource. Dealing with challenges and critical life events*, New York: Plenum Press.
- 10-Dalbert, C., Lipkus, I. M., Sallay, H. and Goch, I. (2001) '*A just and an unjust world: Structure and validity of different world beliefs*', *Personality and Individual Differences*, 30: 561-77.
- 11- Dalbert, C. and Maes, J. (2002). *Belief in a just world as a personal resource in school*, in *M. Ross and D. T. Miller (eds), The Justice Motive in Everyday Life*, Cambridge: Cambridge University Press.
- 12-Dalbert, C., & Sallay, H. (2004). *The justice motive in adolescence and young adulthood: Origins and consequences* (pp. 101-116). London: Routledge.
- 13-Diener, E. (2000). *Subjective well-being: The science of happiness and proposal for a national index*. *American Psychologist*, 55, 34-43.
- 14-Diener, E., Emmons, R. A., Larson, R. J. and Griffin, S. (1985) '*The satisfaction with life scale*', *Journal of Personality Assessment*, 49: 71-6.

- 15-Diener, E., Oishi, S., & Lucas, R. E. (2003). *Personality, culture and subjective well being: Emotional and cognitive evaluations of life*. *Annual Review of Psychology*, 54, 403–425.
- 16-Diener, E., Suh, E., Lucas, R. E., & Smith, H. L. (1999). *Subjective well-being: Three decades of progress*. *Psychological Bulletin*, 125, 276–302.
- 1۷-Ferguson, N. (2000). *The impact of sectarian justice and the paramilitary ceasefires on adolescent just world beliefs in Northern Ireland*. *Irish Journal of Psychology*, 21(1–2), 70–77.
- 1۸-Furnham, A. (2003). *Belief in a just world: Research progress over the past decade*. *Personality and Individual Differences*, 34, 795–817.
- 19-Ghorbani, N., Bingb, M.N., Watson, P.J., Davisonc, H.K., LeBretonb, D.L (2003). *Individualist and collectivist values: evidence of compatibility in Iran and the United States*. *Personality and Individual Differences*, 35, 431–447.
- 20-Golparvar, M., Kamkar, M., and Javadi, S. (2006). *Relation between Just World Beliefs for Self and Others With General Health, Life Satisfaction, Positive and Negative Affect and Automatic Thoughts*. *Knowledge and Research*, 2, 2006; 0 (31) :39-6 (Persian)
- 21-Hafer, C. L. (2000). *Investment in long-term goals and commitment to just means drive the need to believe in a just world*. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 26, 1059–1073.
- 22-Hafer, C. L., & Be`gue, L. (2005). *Experimental research on justworld theory: Problems, developments, and future challenges*. *Psychological Bulletin*, 131, 128–167.
- 23-Hafer, C. L. and Correy, B. L. (1999) ‘*Mediators of the relation between beliefs in a just world and emotional responses to negative outcomes*’, *Social Justice Research*, 12:189-202.
- 24-Hunt, M.O. (2000). *Status, religion, and the belief in a just world*, *Social Sciences Quarterly*, 18(11), 325-344.
- 25- Khosravi, Zohreh. (۲۰۰۵). *Depression and collectivism-individualism culture among Iranian and Indian University Students*. Research report, Alzahra university. (persian)
- 26-Latridis, T. & Fousiani, K. (2009). *Effects of Status and outcome on attribution and just-world belief*, *Journal of Experimental Social Psychology*, 45, 415-420.
- 27-Lench, H.C. & Chang, E.S. (2007). *Belief in an unjust world*, *Journal of Personality Assessment*, 89(2), 126-135.

- 28-Lerner, M. J. (1977). **The justice motive: Some hypotheses as to its origins and forms.** *Journal of Personality*, 45, 1-52.
- 29-Lerner, M. J. (1980). **Belief in a just world: A fundamental delusion,** New York: Plenum Press.
- 30-Lerner, M. J., & Montada, L. (1998). **An overview: Advances in belief in a just world theory and methods.** In L. Montada (Eds.), **Responses to victimizations and belief in a just world.** New York: Plenum Press.
- 31-Lipkus, I. M., Dalbert, C., & Siegler, I. C. (1996). **The importance of distinguishing the belief in a just world for self versus for others: Implications for psychological well-being.** *Personality and Social Psychology Bulletin*, 22, 666-677.
- 32-Montada, L. (1998) **'Belief in a just world: A hybrid of justice motive and self-interest?'**, in L. Montada and M. J. Lerner (eds), *Responses to victimizations and belief in a just world*, New York: Plenum Press.
- 33-Otto, K., & Dalbert, C. (2005). **Belief in a just world and its functions for young prisoners.** *Journal of Research in Personality*, 39, 559-573.
- 34-Sarason, B. R., Shearin, E. N., Pierce, G. R., & Sarason, I. G. (1987). **Interrelations of social support measures: Theoretical and practical implications.** *Journal of Personality and Social Psychology*, 52, 813-832.
- 35-Sutton, R. M., & Douglas, K. M. (2005). **Justice for all, or just for me? More support for the self-other distinction in just-world beliefs.** *Personality and Individual Differences*, 39, 637-645.
- 36-Zimet, G. D., Dahlem, N.W., Zimet, S. G., & Farley, G. K. (1988). **The multidimensional scale of perceived social support.** *Journal of Personality Assessment*, 52, 30-41.

Archive SID